

رساله دکتری تصحیح کرده است (آچیق‌گوز، همانجا).

(۵) دیوان ترکی، دربردارنده بیش از یکصد سروده صوفیانه شاهدی. مصطفی چیپان^۱ آن را به عنوان رساله دوره لیسانس تصحیح کرده است. اگرچه سروده‌های شاهدی به لحاظ عروض و قافیه مشکل چندانی ندارند، از دیدگاه صور خیال جز تقلیدی از گذشتگان نیستند (همان، ص ۲۲، ۳۵).
گولپینارلی (ص ۱۸۳) معتقد است که شاهدی در ساختن شعر ترکی موفق‌تر و در زبان فارسی ناتوان بوده است (برای دیگر آثار شاهدی - ثاقب مصطفی‌دده، قسم ۲، ص ۱۶-۱۷؛ گولپینارلی، ص ۱۸۱-۱۸۴).

منابع: اولیاجلی؛ محمدطاهر بروسلی، عثمانلی مؤلفلری، استانبول ۱۳۳۳-۱۳۴۲؛ ثاقب مصطفی‌دده، سفینه نفیسه مولویان، [مصر ۱۲۸۳]؛ محمد ثریا، سجل عثمانی، استانبول ۱۳۰۸-۱۳۱۵ / ۱۸۹۰-۱۸۹۷، چاپ انستیتوت انگلستان ۱۹۷۱؛ محمد عاشق چلبی، مشاعرالشعرا: عاشق چلبی تذکره‌سی، چاپ گ.م. مردیت - اونیز، لندن ۱۹۷۱؛ فهرس المخطوطات الفارسیه التي تفتنیها دارالکتب حتی عام ۱۹۶۳ م، قاهره: مطبعة دارالکتب، ۱۹۶۶-۱۹۶۷؛ عبدالباقی گولپینارلی، مولویه بعد از مولانا، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران ۱۳۶۶ ش؛

Namık Açıkgöz, Şâhidî ve Muğla'da Mevlevîlik, Muğla 2008; Reşat Öngören, *Osmanlılar'da tasavvuf: Anadolu'da Sâfîler, devlet ve ulemâ (XVI yüzyıl)*, İstanbul 2003; İbrahim Dede Şâhidî, *Tuhfe-i Şâhidî*, [ed. Atabey Kılıç], in *Turkish studies*, vol. 2, no. 4 (fall 2007).

/ زهرا اکبرپور /

شاهرخ (۱)، چهارمین پسر تیمور گورکان و جانشین

وی. شاهرخ در ۱۴ ربیع الآخر ۷۷۹ در سمرقند به دنیا آمد (دولت‌شاه سمرقندی، ص ۳۳۸؛ شرف‌الدین علی یزدی، ج ۱، ص ۴۶۹-۴۷۰). مادرش تُغای تُرکان‌آغا نام داشت (د. اسلام، چاپ دوم، ذیل ماده). از او با عناوین خاقان سعید (عبدالرزاق سمرقندی، ج ۲، دفتر ۱، ص ۹۴؛ واله اصفهانی، ص ۴۳۱) و حضرت اعلیٰ (خوافی، ج ۳، ص ۱۴۸؛ آسفزاری، بخش ۲، ص ۲۳۶) یاد شده است. ظاهراً تیمور در هنگام رسیدن خبر تولد وی مشغول بازی شطرنج بوده و به همین سبب، نام شاهرخ را بر وی نهاده است (ع ابن عربشاه، ص ۱۰۳).

شاهرخ در ۷۹۰، در یازده سالگی، ازدواج کرد اما نام همسرش معلوم نیست. در ۷۹۳، شاهرخ به همراه برادرزاده‌اش، پیرمحمد جهانگیر* مأمور ضبط برخی ولایات قلمرو تیموری شد (ع شرف‌الدین علی یزدی، ج ۱، ص ۶۰۸، ۶۳۹). او در

۷۹۴، به دستور تیمور به سمرقند بازگشت و صاحب اختیار قلعه شاهرخیه شد؛ در ۷۹۵، در لشکرکشی تیمور به فارس و عراق فرماندهی لشکر را برعهده گرفت و با وجود سن کم، بر شاه منصور مظفر پیروز شد. در ۷۹۶، شاهرخ در فتح قلعه تکریت حضور داشت و سپس، تیمور او را برای «ضبط دارایی ممالک» روانه سمرقند کرد (غیاث‌الدین علی یزدی، ص ۴۷؛ نظام‌الدین شامی، ص ۱۲۹، ۱۳۲-۱۳۳، ۱۴۲-۱۴۴؛ شرف‌الدین علی یزدی، ج ۱، ص ۶۹۶-۶۹۷، ۷۱۵-۷۱۶، ۷۹۳-۷۹۴، ج ۲، ص ۱۲۷۸). در ۷۹۹، تیمور گورکان* حکومت خراسان، سیستان، مازندران تا فیروزکوه و ری را به وی محول کرد (شرف‌الدین علی یزدی، ج ۱، ص ۸۴۹-۸۵۰). شاهرخ پس از آن، در سایر لشکرکشیهای تیمور، او را همراهی کرد، از جمله در یورش هفت‌ساله تیمور به ایران و در جنگ وی با مصر در ۸۰۳ (ع همان، ج ۲، ص ۹۹۹، ۱۰۷۱-۱۰۷۲؛ واله اصفهانی، ص ۲۶۳-۲۶۴). شاهرخ همچنین در همان سال (۸۰۳) برای سرکوب شورش بغداد مأموریت یافت و در ۸۰۴، پس از آنکه ایلدرم بایزید (سلطان عثمانی) آرزونجان را محاصره کرد، راهی آنجا شد، اما جنگی صورت نگرفت. او در ۸۰۵، در جنگ با روم نیز حضور داشت (نظام‌الدین شامی، ص ۲۳۹-۲۴۹؛ شرف‌الدین علی یزدی، ج ۲، ص ۱۱۰۵-۱۱۰۶، ۱۱۵۵).

در ۸۰۷، تیمور که در آستانه تشکیل قوریلنای (مجمع عمومی خاندان سلطنتی) بود، حضور شاهرخ را به سبب آنکه امنیت عراق و آذربایجان به واسطه وی برقرار بود، صلاح ندانست (شرف‌الدین علی یزدی، ج ۲، ص ۱۲۵۷)، اما در همان سال (۸۰۷)، تیمور درگذشت (عبدالرزاق سمرقندی، ج ۱، دفتر ۲، ص ۱۰۴۰). پس از مرگ تیمور، امرای تیموری به این بهانه که پیرمحمد (ولیعهد) در قندهار است و شاید به هند لشکرکشی کرده باشد، و نیز به این سبب که تیمور شاهرخ را از بقیه فرزنداناش بیشتر دوست داشت، تصمیم گرفتند شاهرخ را به سلطنت بنشانند (شرف‌الدین علی یزدی، ج ۲، ص ۱۳۰۳-۱۳۰۴؛ واله اصفهانی، ص ۲۱۶، ۳۶۲). شاهرخ در ۸۰۷ در هرات بر تخت نشست و برای رویارویی با برادرزاده‌اش، خلیل سلطان (پسر میرانشاه) که در سمرقند مدعی جانشینی تیمور شده بود، راهی سمرقند شد، اما میان آنان توافق حاصل شد (حافظ ابرو، ج ۳، ص ۹-۵، ۱۳-۱۶، ۲۴-۲۵؛ عبدالرزاق سمرقندی، ج ۲، دفتر ۱، ص ۱۰-۱۲).

چون شاهرخ پس از مرگ تیمور به تمام قلمرو تیموریان* دست نیافته بود، ناگزیر از مقابله با برخی بازماندگان تیمور شد (ع ادامه مقاله) و از همان ابتدا شورشهایی در قلمرو او صورت

1. Mustafa Çıpan